

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه هشتم خرداد ماه ۱۳۲۲ \*

## فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
- ۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه
- ۳ - تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر بهاداری
- ۴ - بیانات آقای رئیس دائر بااسترداد استعفاي آقای موعودی
- ۵ - بقیه شور اول لایحه تعلیمات عمومی و رای ورود در شور دوم
- ۶ - تقدیم يك فقره لایحه راجع باصلاح بعضی از مواد قانون کیفری از طرف آقای وزیر دادگستری
- ۷ - موقع ودستور جلسه بعقد - ختم جلسه .

( مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید )

صورت مجلس روز پنجشنبه ۵ خرداد ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند \*

می نشینند و تمیایند در مجلس که جلسه را تشکیل بدهیم این خیلی اسباب تأسف است و هر قدر هم گفته میشود مثل اینکه اعتنائی نمیشود .

۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر امور خارجه

رئیس - آقای وزیر امور خارجه

وزیر امور خارجه (آقای ساعد) - چون دوات شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحد امریکا برای تقویت مناسبات

[ ۱ - تصویب صورت مجلس ]  
رئیس در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد: خیر)  
صورت مجلس تصویب شد . بنده آنکه موقع جلسه را در این روز های بلند معین کرده ام برای این بود که امیدوار بودم در ساعت هشت و نیم یا منتهی ساعت نه جلسه تشکیل میشود و حالا متأسفانه ساعت نه و نیم هم جلسه درست تشکیل نیست و تعجب این است که آقایان نمی آیند اینجا و در خارج

عین مذاکرات مشروح یکصد و شصت و ششمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و چاپ

مجلس خواتمه شده ؟  
آقایان اجازه بی اجازه آقایان ، بیشتر فحش می دهند و منکر کور زنی - مشیردوانی - شجاع - اکبر - خطاه الله بالبری - مهدی هدایت الله بالبری - معصوم سنگ - کاروانیان - فاطمی - نیکپور - دبستانی - صادق وزیري - سلطانی - مسعودی - صفاری - کابل مارکوب - نصر تپان - بوداییان  
آقایان اجازه بی اجازه آقایان ، کاهنری در آمدنی

دوستانه که همواره فیما بین دو کشور برقرار است مایل بودند به بسط و توسعه امر بازرگانی فیما بین آنکه یکی از نیات و مقاصد اساسی دولت شاهنشاهی ایران است و بواسیله معامله متقابل و اعطای مزایا و امتیازات دو جانبه روابط بازرگانی را حفظ نمایند لذا از چندی پیش برای عقد پیمان بازرگانی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت کشورهای متحده امریکا مذاکرات جریان داشته و بالنتیجه پیمان بازرگانی فیما بین دو کشور اخیراً در واشنگتن بامضاء رسیده اینک متن فارسی آن پیمان تسلیم و ماده واحده برای تصویب پیشنهاد میشود. این لایحه تهیه شده است و تقدیم مجلس شورای ملی میشود. همچنین قرارداد مالی بین دولت ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی منعقد شده است؛ چون دولت شاهنشاهی ایران و دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بمنظور مبادله کالا و تنظیم پرداخت ها بین دو کشور انعقاد موافقت نامه ای را لازم تشخیص دادند لذا در نتیجه مذاکراتی که از چندی پیش بعمل آمده موافقت نامه ای بین دولت شاهنشاهی ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در طهران بامضاء رسیدیم است که متن آن بضمیمه تقدیم و برای تصویب آن ماده واحده زیر را پیشنهاد مینمایم. هر دو لایحه تقدیم مجلس شورای ملی میشود.

رئیس - بکمیسیون مربوطه مراجعه میشود.

**۳ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر بهداری**

**وزیر بهداری** - برای سلامتی نفوس و اینکه از آقایان اطباء غیر از ترتیب مقرر در بهداری يك استفاده دیگری هم بشود بطوری که در سایر ممالک هم معمول است لایحه پیشنهاد میشود به مجلس شورای ملی که اجازه تشکیل انجمن های پزشکی در شهرستانهای ایران بترتیبی که مقرر خواهد شد انجام شود این است که لایحه آنرا تقدیم میکنم (بشیار خوب) رئیس - بکمیسیون مراجعه میشود.

**۴ - بیانات آقای رئیس دائر به استرداد استعفای آقای مسعودی**

رئیس - در تعقیب مذاکرات جلسه گذشته راجع باستعفای آقای مسعودی که البته بنده راضی نبودم و آقایان دیگر هم راضی نبودند بچند نفر از آقایان با ایشان مذاکره کردند و خواهش کردند که بعد از رفع کسالتشان دوباره در مجلس مشغول کار شوید و مشغول خدمت شوند باین واسطه استعفای خودشان را پس گرفتند (صحیح است - بسیار خوب) این است که برای اطلاع مجلس عرض شد.

**۵ - بقیه شور اول لایحه تعلیمات عمومی و رأی بورود در شور دوم**

رئیس - لایحه تعلیمات عمومی مطرح است. ماده ۱۲ خوانده شد و حالا مذاکرات لازمه میشود. آقای منشور. منشور - البته در این ماده دقت زیاد شده است و باین ماده بنده مخالفی ندارم فقط يك حداقلی برای مدت توقف در پایه ها معین کرده البته آقایانی که به متن ماده مراجعه کرده باشند دقت و توجه فرموده اند که این حداقل را لازم ندارد چون حداکثر ذکر شده است و بنظر بنده ذکر حداقل مورد ندارد و سابقاً هم که در قانون استفاده هم کشوری يك حداقلی را ذکر کرده بودند که حداقل توقف در پایه ها چقدر است بچون حداقل معین شده بود در تقاعد موجب اشکالاتی میشد که حداقل معین شده است در صورتیکه کمتر اتفاق می افتاد که کسی بتواند از آن حداقل هم استفاده کند و غالباً خیلی زیادتر از آن حد در یک رتبه میماند و در موقع ترفیع اگر مستخدم و سائلی در شایستگی هیچوقت بر رتبه بسالانه نائل نمیشد این است که بنظر بنده این حداقل زیادی است و باید حذف شود و در آخر ماده در ضمن تبصره هم برای کمک آموز کاران و آموز کاران و دبیران ذکر شده است که اگر تا هلی اختیار کنند و متأهل شوند در يك حقوق پایه يك خود را بعنوان اضافه حقوق دریافت میارند و حالاً بنده تعجب میکنم که در این قسمت چرا استادان را استثنا کرده اند و اسمی از آنها نبرده اند و در صورتیکه آنها هم اشخاصی هستند

که بیشتر صرف وقت برای تحصیل کرده اند و قطعاً باید آنها هم با تأمین امور معاش امینواری داشته باشند و فراغت داشته باشند که بتوانند مطالعه کنند و در رشته تخصصی خودشان پیشرفت هایی حاصل کنند و ثابت شده است در دنیا متمدن اشخاصی که از حیث وضعیت معاش در مضیقه نیستند میتوانند وقت خودشان را صرف اختراعات و کارهای علمی بکنند و از این حیث هم عقیده بنده این است که استادان را هم علاوه کنند که تبعیضی نشود.

رئیس - آقای تراقی.

تراقی - این ماده ۱۳ قانون تعلیمات اجباری که فعلاً ماده ۱۴ شده است از مهمترین مواد این لایحه است که شغل مهم معلمی را اهمیت می بخشد. ماده است البته متوجه هستند که معلمی يك شغل بزرگتی در کشور ما نیست و اشخاص فهمیده و آن کسانی که ظرفیت کارهای بزرگتر در خودشان سراغ دارند کمتر داوطلب شغل معلمی میشوند برای اینکه در جامعه ارزشی مردم برای آن قائل نیستند و دولت هم حقوقی برای آن قائل نبود باین جهت این ماده ۱۴ که فعلاً ضمیمه این قانون شده است امیدواریم که بواقص کار تعلیماتی ما را از این حیث رفع کند. این ماده ۱۴ شغل معلمی را تقسیم کرده است به پنج رتبه و در پیش معلمی دبستانها و مدارس ابتدایی است که کمک آموز کاران و آموز کاران باشد يك طبقه مربوط به مدارس متوسطه است که دبیران باشند و دو طبقه هم متعلق به دانشکده ها و مدارس عالی است که استادان و دانشیاران باشند و همیشه اوقات حقوق این طبقات در معرض تغییر و تبدیلی بود که هر سال باید در بودجه پیش بینی شود که حداقل رتبه يك دبیری چقدر است یا مال استادی چقدر است این معین نبودن حقوق معلمی یکی از وسایط نزول خاطر معلمین بود همین بمقامشان بود دیگر اینکه گفته میشود حقوق معلمین همیشه کمتر از حقوق مستخدمین اداری و کارمندان دیگر کشور بود یعنی اینها به معنای قضائی و هم پایه های اداری و دولتی ها که در سایر رشته ها مثلاً پزشکی بودند حقوقشان بیشتر از حقوق معلمین است و وزارت

معارف در ضمن این ماده ۱۴ خواسته است اما اینها را که در گذشته نسبت به حقوق معلمین شده است آنها را جبران کردن باشد این است که حقوق آنها را منطبق کرده است بحقوق اداری یعنی حقوق پایه يك کمک آموز کاران را همانند با حقوق پایه يك اداری قرار داده است همینقدر که در مجلس شورای ملی پایه يك حقوق اداری تصویب شد بالطبع پایه يك حقوق کمک آموز کاری هم گذاشته شده و پایه يك آموز کاری همیشه برابر است با يك برابر و نیم حقوق کمک آموز کار و پایه يك دبیری مساوی است با دو برابر پایه يك حقوق آموز کاری یعنی سه برابر حقوق پایه يك اداری و حقوق پایه يك دانشیاری سه برابر حقوق پایه يك آموز کاری یعنی چهار برابر و نیم حقوق پایه يك اداری است با این وضعیت وزارت فرهنگ يك اعتبار خاصی برای رشته های پنجگانه معلمی قائل شده است و امیدوار است در آئیه این معلمینی که در این رشته های پنجگانه مشغول خدمت هستند يك تحصیل آبرویی برایشان در جامعه بشود و همچنین امیدواریم از این به بعد جوانهایی که استعداد زیاد دارند و در خودشان بنیه و استعداد کارهای بزرگتری هستند و تا بحال کمتر داوطلب شغل معلمی بودند داوطلب شغل معلمی بشوند و آقای منشور هم که بعنوان مخالفت صحبت کردند بنده که مخالفتی از ایشان ندیدم بلکه نظر موافق داشتند و اینکه تقداری هم از آنچه در قانون پیش بینی شده است ایشان زیادتر برائی معلمین تقاضا داشتند حتی منظورشان این بود که بجز حداقل در قانون منظور شده است باید دولت استکف باشد که پیش از انقضای یکسال یا دو سال یعنی آن مرحله قانونی که برای هر طبقه معین شده از آنجا که زالی بنظر بنده این را گذاشتن حداقل لازم است برای اینکه رتبه های ۱۰ و ۳ و ۴ که یکسال باید در آن رتبه توقفا کنند و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و بالاتر سه سال آنها ماندن يك حدتی در يك پایه نشان لیاقت نیست و باید در آن حدت لیاقت و صلاحیت و خدمت راهم در نظر بگیرد و اگر بطور قطعی نوشته شود رعایت یک اصل است و لیاقت نخواهد شد و وزارت فرهنگ استکف نخواهد بود و

بمجلس انقضای مدت مقرر و توقف آن مدت در يك پايه ارتقاء با آنها بدهد آنوقت جدیدت و فعالیت و حسن خدمت و لیاقت ازین خواهد رفت و همه بدون اینکه توجه بانجام وظیفه بکنند توقع ارتقاء خواهند داشت از این جهت این حداقل گذاشته شده کیبه اختیار برای دولت باشد کیهایی که لیاقت بخرج میدهند و حق ارتقاء دارند این ارتقاء را درباره آنها منظور کنند و تشویقی از آنها بعمل آمده باشد و سایرین را هم راهنمایی بانجام وظیفه بکنند بنابر این بنده تصور میکنم این ماده از مهمترین مواد این قانون است و اگر چه ظاهراً بستگی به قانون تعلیمات عمومی ندارد و بيمورد بوده است گذاشتن آن در لایحه تعلیمات عمومی ولی از نظر اینکه سطح عمومی فرهنگ را این ماده ترقی میدهد و بالنتیجه شاید زمینه مناسبی برای تعلیمات عمومی فراهم کند قابل تقدیر است.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده با این قانون کاملاً موافق هستم ولی يك موضوعی است که از دوره چهارم همیشه بنده را متوجه میکرد در این رتبه هائی که در این قانون پیش بینی شده و این سنوات خدمت را که بالاین رتبه ها تطبیق میکنیم خوب امسال مثلاً این آموزگار رتبه يك داشته بنال دیگر ترقی میکنند بودجه این ترقی را از کجا پیدا میکنند؟ امسال بودجه میان طابق العمل بالعمل با آن رتبه هائی است که در وزارتخانه ها هست و خارج آن انداز ما بهت سال دیگر که رتبه ها بالا می رود عوایدی که پیدا میکنیم این محل از کجا باید تامین شود این هم به با وزیر در این خصوص صحبت میکنم که میگویند که ما این قانون را مینویسیم بعد انشاء الله مجلس را پیدا میکنیم در دست است که بکنند می رود بکنند متقاعد میشود ولی ارتقاء و تنب هائی که داده میشود مهمل به آنها نیست شما يك چیز حقیقی و يك خرج مهربانی را در بودجه میگویند و بعد میباید عواید عواید را پیدا میکنید و میگویند انشاء الله پیدا میکنیم این رتبه انشاء الله را از این طرف بکنند بعد از آن طرف یعنی هر وقت که عالمی بداند انشاء الله حقوق هم بدهند این شویه آید و میباید

بنده در این موضوع فکر میکنم بودم و فکر میکنم يك وقت هم با آقای وزیر فرهنگ صحبت میکنم که تو درست میکنی برای اینکه این ترقیبی که رتبه ها بالا می رود يك وقت میشود که ما نمیتوانیم بودجه برای معلمین تهیه کنیم ولی خوب این ترتیب بوده است و سالها باین ترتیب گذشته است در واقع میخواهیم بگوئیم هنوز زندگانی ما روزمره است در صورتی که اگر بخواهیم قدم های اساسی برداریم باید اول بودجه مان منظم باشد اگر بودجه مان منظم شد آنوقت همه چیز مملکتمان منظم است بودجه مان که منظم شد رتبه هانمان منظم خواهد شد و میتوانیم بگوئیم اول ترقی ما است اینجا ملاحظه بفرمائید یکسال يك کسی میماند در يك رتبه سال بعد ترقی میکنند به رتبه دیگر این خیلی خوب منظم است خوب بودجه اش از کجا تهیه میشود؟ خوب حالا در هر يك از این قسمت ها پیش بینی شود با در نظر گرفتن محل و انقضای موقع و فعلاً بنده در این جا نظر آقای وزیر فرار را جلب باین موضوع میکنم و يك پیشنهادی میکنم که بجز گذشتن سال رانماط قرار ندهند وقتی که سه سال تمام شد و میخواهید رتبه او را بالا ببرید او را امتحان کنید یکسالی که او در اینجا کار کرده است با آموزگار بوده است یا پایه های دیگر تنها امتحان پایه و مدت نگذرد امتحان اخلاق و لیاقت و عمل و از آنها بکنید و اینطور باشد که کار بکرده بدون جهت حقوق بدهند مثلاً معلمین رسماً به بنده نوشته اند و منی گویند بنده همفکره که در دانشکده کشاورزی اسمعیل را برای معلمی نوشته اند ولی در ظهر آن زندگانی میکنند در فلان مدرسه ظهر آن در ۴ تا پنج شش مدرسه انقضای است و حقوق هم میکنند ولی حقش را به سناعت کارشان حاضر نمیشوند آقای این معلمین باید در موقع ارتقاء به ترتیب بالا تر امتحان بدهند امتحان بصحت عمل امتحان حسن اخلاق بدهند آقایان ما از دنیا میرویم ولی توجه کنی که شما معلمی که بعد از ما هستید که معلم باید در این صحبت عمل و بصحت رفتار باشد و در شاگردان بگذرد بجهت تعلیم و دولت

بکنید ایجاد بصحت عمل بکنید باید این امتحانات را بدهد و بعد از امتحان دادن ترقی داده شود امتحان را حتماً باید ملاحظه کنیم در این جا چون معارف است نمک معارف پروری در همه ماها هست البته در این قسمت صرفه جوئی نمیکنیم ولی امتحان را حتماً باید ملاحظه کنیم که بعد از انقضای مدت وقتی که میخواهد بر تبه بالاتر برود امتحان کنیم این يك موضوع دیگر اینست که من این ماده را نسبت به كمك آموزگار و آموزگار قبول میکنم ولی در این جا دبیران و دانشیاران و اسنادان را که برای هر کدام از آنها يك قانونی بود همه را بهم ریخته اند و در اینجا گذارده اند این محتاج بدقت است این است که بنده میگویم با آموزگار و كمك آموزگار موافقم اما نسبت به باقی دیگر که در این ماده باشد مخالفم این هم پیشنهادی است که تقدیم میکنم

رئیس - آقای ثقة الاسلامی

ثقة الاسلامی - عرض میکنم بنده در کمیسیون چندین دفعه تکرار کردم و از آقای وزیر معارف خواهش کردم راجع به معلمین و آموزگاران و حالا هم از این ماده ۱۲ استفاده میکنم و عرض میکنم که همانطور که آقای تراقی فرمودند سابق بر این نسبت به معلمین هیچ توجه نداشتند مثلاً در خیلی جاها ما داریم که ماهی چهار تومان معلم حقوق میدادند در آذر شهر ماهی چهار تومان حقوق معلم میدادند (تراقی - حالا بیست تومان شده است) حالا بیست تومان هم بگردد البته از هیچ بهتر است ولی بنده میخواهم عرض کنم راجع بحقوق در این ماده ترتیب خوب و صحیحی را در نظر بگیریم و عرضی ندارم ولی در انتخاب اشخاص برای مقامی نباید وزارت معارف کلاً ملاحظه بفرمائید و توجه کنید وقتی يك خانوادگی میخواهد يك معلمی برای بچه اش انتخاب کند اول تحقیق میکند از حیث اخلاق و درستی عمل و بصحت رفتار که آن معلم این صفات را داشته باشد ولی در وزارت معارف این قسمت خیلی ادب بعضی جاها رعایت نمیشده بنده با معلم مخالف نیستیم مآلتهی برای

معلمی باید اشخاصی را در نظر بگیرد که سابقه خوب داشته باشند با حیثیت باشند خصوصاً حسن اخلاق داشته باشد اگر معلمی حسن اخلاق نداشته باشد و بحسن اخلاق معروف نباشد فوراً در آن شاگرد تأثیر میکنند برای اینکه آن بچه در دبستان و دبیرستان مثل يك آئینه است که حقیقه هر چه آن معلم باشد و بگوید در او نقش می بندد هر چه معلم بگوید اگر خوب باشد در او تأثیر خوب میکند و بچه خوب تربیت میشود اگر بد باشد در بچه بدی او تأثیر میکند در آن مواقع در بعضی از جاها معلوم شد که بعضی از معلمین و آموزگاران (خدا نکند اینطور باشد) که از بچه ها استفاده های نامشروع میکردند و این نیست مگر اینکه انتخاب او بد شده بود و معلم خوب نمی آید مگر این که پول خوب بدهند و از آنها قدر دانی کنند و الا نمیشود فقط اسمش را معلم گذاشت اینجا يك سالی را برای ارتقاء معلمین در نظر گرفته اند که در رتبه های ۱ تا سه یکسال و در رتبه های ۴ تا ۶ دو سال و بعد از آن ۳ سال خواهد بود اینجا خواستم يك مطلبی را با آقای وزیر فرهنگ عرض کنم که در امریکا طرز رتبه دادن در ادارات فزونی برای تمام کارمندان و معلمین يك قانونی دارد که هر کس بخواهد از يك رتبه بر تبه بالاتر ارتقاء پیدا کند باید جانشین خودش را مثل خودش حاضر کند مثلاً يك معلم رتبه يك وقتی می خواهد بر تبه دو ترقی بکند آن رتبه يك که جانشین او میشود باید بتواند مثل خود او باشد و همینطور در رتبه های بالا تر این کار همچوقت در این معمول بوده است و همچوقت عملی نشده است بنده در این باب پیشنهادی تقدیم میکنم که هیچ آموزگاری از يك رتبه نمیتواند بر تبه دیگر ترقی کند مگر این که آن آموزگار اولی که جانشین او خواهد شد برای آن کار تربیت کرده باشد و اینجا

رئیس - آقای محمدی

محمدی - بنده خیلانی میباشم اول اینکه خواهی که کلیات این لایحه معارف بود در تمام موارد استبانه نگردیم



میلند و وزارت فرهنگ از آنها رضایت دارد بنابراین آنها  
 مجزوم بشوند و امروز جامعه با آنها احتیاج دارد و حقیقتاً محاصر  
 فاضل و دانشمندی هستند بنابراین بزود وقت آموزش گزاری  
 و کمک آموزش گزاری را باید تکند و این شایسته نیست و  
 این يك رویه بسیار غلط و نامطلوبی است و باید اصلاح بشود  
 مطلب دیگر هم که حقیقتاً بنده نمی فهمم چیست این است  
 که آموزش گزاری یعنی چه کمک آموزش گزاری یعنی چه فهم و اکتاف  
 که نمیشود کمک برای آن تعیین بشود آقای فرض بفرمائید  
 که در کتب ادبیات هستند در زبان لایق و باید از این معلومات  
 خودشان درس بدهند و استفاده بدهند آیا میشود باین  
 معلومات کمک کرد و يك چیزی ضم کرد با ایشان مثلاً بنده  
 را بعنوان کمک برای شما تهیه کنند و بگویند که بنده  
 کمک آقای دکتر سیاسی هستم اینکه معنی ندارد بنده از  
 لایق اطلاع ندارم لذا کمک آموزش گزاری معنی ندارد شما احتیاج  
 به آموزش گزاری دارید و باید بتعداد احتیاجتان آموزش گزاری تهیه  
 بکنید بقیه بنده دو حرفه شریفتر باین مشاغل بشریت هستند  
 یکی حرفه معلمی و دیگری حرفه طبابت اولی تربیت روحی  
 را بجهت دار است و دومی تربیت جسمی را و در هر کشوری  
 که بخواهند از این دو حرفه تشویق کنند باید در مقام این  
 در آنجا که افراد را تربیت کنند و الا با کمک کردن که کار  
 درست نمیشود آقای اولاً آموزش گزاری فریجه لازم داده ثانیاً از  
 لحاظ حقوق باید کاری کنیم که آنها تشویق بشوند و برای شما  
 کار کنند و زندگی آنها تأمین شود بدون این اصلاحیه نیست  
 نیست که شما به تهیه مطلوب برسید و افاضله فیض بوسیله  
 دیگری نمیشود کرد کمک آموزش گزاری بقیه بنده باید حقیقتاً  
 شود کسی که شایسته است داشته باشد میتواند تمام بدهد و قتی  
 که شایسته است داشته باشد با کمک کردن که نمیشود در درس  
 بدهد این مسخر است حقیقتاً بنده در این باره هیچ حرفی ندارم  
 و اولاً فریبگار است و ثانویاً در این باره آقای بنابنده محترم  
 فرمودند که کلمات هم این را بنا کرده شد با دلاوری و بگری  
 و در آنجا که برای آموزش گزاری ما احتیاج داریم پس باید شش ساله  
 ابتدایی و هفده ساله باشد که برای آموزش گزاری سواد بدهد

شش ابتدایی را در نظر بگیریم یکسال تا دو سال هم درس  
 بخواند و معلم بشوند این را بنده بجواب عرض کردم برای  
 اینکه کاملاً تصدیق میکنم تعقیب بنده اگر ما بتوانیم برای  
 کسانی که در کلاس ابتدایی درس میدهند درجه دکتری هم  
 قائل شویم یعنی بگوئیم که دکتر در تعلیم و تربیت ما  
 شایسته است ولی شرط برای آنکه بتوانیم ( امیر تیمور -  
 توانستن فرغ خواستن است بخواهید ثابت کنید) خیلی خوشوقت  
 که همت ایشان خیلی عالی است ولی خیلی متأسفم که این  
 خواستن از آن خواستن های خیلی طولانی است و نمیشود  
 باین زودی عملی کرد شما اگر صد میلیارد تومان پول داشته  
 باشید این کار را نمیتوانید اقدام بکنید چرا برای اینکه وقت  
 میخواهید باید پنجسال معلم تربیت بکنید و آماده بکنید  
 چون تهیه آموزش گزاری یکروز و دوز نیست و پول و همت تنها  
 کافی نیست عامی مهمی در کار است زمان و علت اینکه ما  
 گفتیم کسی که دارای اطلاعات ابتدایی است دو سال هم درس  
 بخواند درس مخصوص تعلیم و تربیت بخواند تا معلم بشود این  
 برای این است که ندیدیم بدبختانه ما امروز وسیله نداریم و  
 بکده که امروز مورد حاجت ما هستند نداریم از این  
 آموزش گاران ما نمیتوانیم توقع پایه معلومات بیشتر از این  
 داشته باشیم بنده شرم دارم از اینکه يك موضوع را تذکر  
 بدهم ولی ناچارم چون در این قسمت آقای امیر تیمور خیلی  
 اصرار دارند و آن این است که ما در شهرستانها معلمینی  
 را داریم که این تحصیلات و معلومات شش ابتدایی را هم  
 ندارند صد ها هزارها از این قسم معلم داریم ما نمیتوانستیم  
 که اطفال این کشور در سن ۱۰ سالگی دارای سواد بشوند  
 و ما با این وسائل محدود نمیتوانیم شروع کنیم عجله داریم  
 عجله داریم باینکه در این کشور بچه ها ایشان از خدا اقل زمان که  
 ده سال است همه با سواد شوند و باین امر نمیتوانیم تأخیر قائل  
 شویم و در این مدت هم وسائل را بهتر از این نمیتوانیم تهیه  
 بکنیم و بخواهیم بتوانیم يك کسانی را تهیه کنیم که بیشتر  
 از این معلومات داشته باشند و این ناچار است و بعد بگفتم  
 تا اگر وسیله داشته باشیم و اگر بتوانیم باید معلمین ایستادگی

و دکتر بفرستیم بعد رسیده ابتدایی ولی نداریم بنابر این ناچاریم  
 ما قفاحت کنیم که معلمین امده بعد از شش ساله ابتدایی دو سال  
 هم درس تعلیم و تربیت بخوانند و بعد از زیادی هزاران نفر در  
 سال تربیت بشوند و شش و پنج بکنند بآن عمل یا چیزی که مادر  
 نظر داریم مبارزه و جنگ با بی سواد است و این کاری را  
 که آقایان موافقت فرمودند در واقع يك جنگی است با  
 بی سواد و ما يك قهوه بی لازم داریم که باید تهیه کنیم و این  
 قشون را باید به عجله تهیه کنیم و چون ناچاریم بعهده تهیه  
 کنیم بیش از این نمیتوانیم و اما اینکه کمک آموزش گار  
 گفته شد اتفاقاً برای تأمین نظر خود آقای امیر تیمور است  
 ما نمیتوانستیم بکسانی که دارای معلومات شش ابتدایی هستند  
 و دو سال هم فوق ابتدایی بخوانند باینها عنوان آموزش گار  
 که عنوان محترمی است بدهیم و گفتیم که این کمک آموزش گار  
 است هر وقت که ما بتوانیم برای تمام مدارس خودمان  
 آموزش گار تهیه کنیم بالطبع این کمک آموزش گاران از بین  
 خواهند رفت این يك چیز موقتی است و ازین خواهد رفت  
 مثلاً همینطور که کارخانه فرد سزی بیرون میدهد  
 ما هم بخریم داریم اگر انشاء الله موفیق شویم اینطور  
 بکنیم علاجی هم بکاریم ولی در ده سال نمیتوانیم همه بچه ها  
 را تربیت کنیم البته این کار موقتی است و قتی که وسائل  
 فراهم شد این کمک آموزش گاران ازین خواهند رفت آقای  
 موضوع دیگری که فرمودند راجع به معلمین قراردادی است  
 بنده هم تصدیق میکنم که يك عده معلم داریم که خیلی مردمان  
 فاضلی هستند و قراردادی هستند اما تصدیق بفرمائید که آنها  
 که سر کار هستند بهر چه ما نمیدانیم که آنها را از کار  
 بیرون کنیم یا بقیه شده است که معلمین قراردادی جدید این  
 این بنگاه جدید را با ملا حظة نظر بفرمائید بعد هم قید شده است  
 تاریخی که وزارت فرهنگ معلمین تربیت یافته واحد شرایط  
 دارد نمیتواند معلمین قراردادی تازه استخدام بکنند این  
 بدیهی است شمس از جهت کشید ما باید بفرج اگر ده معلم  
 مخصوصی تهیه کرد و این بیکار است باین کار بفرمائید و  
 باشد کسی که معلم نیست سطح معلومات او چقدر است و

انتخاب کنید این معنی ندارد گفته شده است و قتی معلمین  
 تحصیل کرده موجود است وزارت فرهنگ نمیتواند قراردادی  
 جدید استخدام کند و این بقیه بنده لازم است و بهتر هم  
 هست برای کسانی که سر خدمت هستند چون گفته شده است  
 قراردادی جدید بنده از این موقع استفاده میکنم هر چند  
 گذشته است راجع به حذف آن ماده دوازده که یکی از  
 آقایان نمایندگان گویا آقای دشتی پیشنهاد کردند آن  
 ماده حذف شود و بی این را جنداً بنده مخالفم برای اینکه  
 اساس و پایه تمام این قانون روی همین ماده است زیرا تا  
 تکلیف آموزش گاران و معلمین از حیث حیثیت از جهت مزایای  
 مادی از حیث احترامات معین بشود این قانون اجرا نخواهد  
 شد (صحیح است) باید معلم شغل محترم و دارای مزایای باشد  
 تا اینکه ما بتوانیم قشونی را که عرض کردم و افسران این  
 قشون را تهیه بکنیم والا با غیر از این ماده اجرا خواهد شد  
 رئیس - آقای انوار  
 انوار - بنده خواستم جواب آقای امیر تیمور را عرض  
 کنم که در ماده ۹ اگر نظری داشتند خوب بود در آنجا  
 میفرمودند در آنجا بیانی نکردند حتی اظهار مخالفت هم  
 نکردند پس آن ماده ۹ جایش این نیست  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 طباطبائی - بنده عرض دارم  
 رئیس - پیشنهاد دارید بدهید بیاورند  
 طباطبائی - بنده در راول ماده عرض دارم فاعده باینست  
 بمن اجازه داده شده باشد من در کلیات این مسئله را يك  
 قدری بیشتر درس بحث کردم که اگر بنامد هر چهار کلاس  
 خواننده ای را معلم قرار بدهیم این نقص عرض است خلاصه  
 وقت شد که يك مقداری در این ماده صحبت بشود این که  
 آقا فرمودند که چون در ماده هم این مسئله باید صحبت  
 بشود بنده يك قسمت از عرضم را که در کلیات صحبت کردم  
 روی این ماده بود عرض کردم ما نمیتوانیم با دادن پول زیاد  
 معلم پیدا کنیم خیلی هم راول است بکنی از نظر طباطبائی  
 خیلی بزرگ این کار ادراکات درستی است يك عده زیادی روی

ادارات دولتی هستند که اینها بی کارند و تحمیل بر ادارات دولتی هستند اینقدر هم اینها معلومات و مواد دارند اینها را وزارت فرهنگ بگذارد در این کلاسهای پنج و شش تدریس بکنند حذف ماده دوازدهم که آقا اشاره کردید و من هم موافق با حذف آن هستم نه از این جهت است برای معلمین حقی قائل نشویم ولی جایش اینجا نیست باید جای دیگر تأمین شود والا با تأمین وضع زندگی معلم همه موافقم همانطور که فرمودند واقعا شرم آور است و باید وزارت فرهنگ توجه بکند ولی جایش اینجا نیست و یکی از محل های خوب که بنظر بنده و شما میتواند از این محل استفاده کنند و برفع معلم است و میتواند پول بیشتر بدهند این مسئله است که دبستانها مجانی است دبستان یا دبیرستان یا بالاتر در انگلستان مجانی است ولی برای طبقه بی بضاعت دبستان البته باید مجانی باشد دبیرستان هم باید مجانی باشد ولی معنی ندارد اگر یک نفری شش کلاس را خواند وقتی میخواهد برود متوسطه شما از او پول می خواهید وقتی که گفت پول ندارم او را رد میکنید در صورتیکه استعداد کفایتش بیشتر از استعداد مالیش هم باشد باز او را بشمارد میکنید میگویند پول بده اما در دبستانها در مدارس ابتدائی هر آقا زاده را بعنوان اینکه دبستانها مجانی است و بخیال آنکه در خوب کاری است مجانامی پذیرید و در ردیف محصلین بی بضاعت نمی بینند و استفاده میکند و حال آنکه از آنها میتوان پول بگیری پول زیادتر چرا؟ برای اینکه سطح زندگی را بالا برده است حقوق هم میتواند بدهید و از آنها بگیری روزی بدهم بگیری و از آن محلی که از آنها میگیری به معلمین هم بدهی توجه بفرمائید واقعا اگر بنا است که تعلیم و تعلمی در کار باشد احتیاج به معلم داریم کسی که چهار کلاس درس خوانده و عرض کردیم سابق که این اسم خودش را بلد نیست بنویسد تا چه رسد باینکه چهار سال وقت اطراف را تلف کند

رئیس - آقای ملک مدنی می گویند که اینها را باید بیشتر در نظر گرفت و در حاکم مدنی از بنده هم راجع بآن نظر فرمایند خواهی مصلحت کند بنگارن بنده این بنده را بنده است و این را اگر آموختن کار

سابقه دارد در وزارت فرهنگ موجود باشد که وزارت فرهنگ استفاده میکنند اگر موجود نباشد از خارج استخدام خواهند کرد بنده خواستم این نکته را عرض کنم (آقای وزیر فرهنگ توجه بکنند) برای معلمین دبستان در دهات بهتر است اشخاصی باشند که یک قدری با تجربه باشند و از آن کسانی هم که در مدارس قدیمه تحصیل کرده اند استفاده بکنند از آنها فعلا برای مدارس دهات در نظر بگیرند و از وجود آنها استفاده بکنند در صورتی بنده خیال میکنم ضروریست بودن این تبصره و زاید است و اگر موافقت داشته باشند در کمیسیون در شور دوم موافقت بفرمایند که این تبصره حذف شود.

**وزیر فرهنگ** - آقای طباطبائی یک اشتباهی فرمودند که خیلی متأسفم از این اشتباه و آن این است کسه تصور فرمودند کسی بعد از داشتن معلومات چهار کلاسه میتواند معلم بشود آن چهار سالی که در نظرشان هست آن چهار سال تعلیمات است که هر چه باید فرا بگیرد و برای معلمی شش سال تعلیمات ابتدائی است و دو سال دوره های تخصص این میشود هشت سال و اما راجع باینکه فرمودند از اعضای ادارات استفاده بکنیم با این نظر بنده موافق نیستم برای اینکه ما باید معلم تربیت کنیم در قانون که ملاحظه میفرمائید ما نوشتیم آموزش و پرورش مجانی این یکی دو سال که ما میخواهیم معلم در کلاسهای خودمان یا دانشکده ها تربیت بکنیم هرگز این است که در واقع ما او را از این بکنیم یعنی اولاً طرز درس دادن را با او یاد بدهیم ثانیاً او را دارای اخلاق و صفاتی بکنیم که باید اولاً بچه ها را دارای آن اخلاق و صفات بکنند و بنا لاول با او یاد بدهیم که چگونه باید بچه ها را تربیت بکند و دارای صفات و احساسات و عواطفی بکند که ما مقتضی میدانیم آن بچه دارای آن صفات باشد از قبیل نجس وطن پرستی و در عین وظیفه شناسی و نظیره بنا بر این نمیتوانیم بگوئیم اعضا ادارات بیایند البته اعضاء هم از آن خینی خوب هستند و خوب هم خیلی در ادارات هست ولی ما نمیتوانیم هر کس را که بخواهد فارسی بخواند بگوئیم مجانی باشد این را بنده شخصاً

موافق نیستم و برای این کار باید مخصوصاً معلم تربیت کنیم اما راجع به حذف آن تبصره هم ممکن است پیشنهاد بفرمائید در کمیسیون مطالعه خواهیم کرد.

**رئیس** - آقای اوحدی .

**اوحدی** - بنده موافقم .

**جمعی از نمایندگان** - مذاکرات کافی است .

**رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود :

**پیشنهاد آقای امیر تیمور :**

ماده ۱۳ - هر گاه در نقاطی که تعلیمات عمومی اجباری اعلام گردیده آموزش کار و کمک آموزش کار تربیت یافته بقدر کافی موجود نباشد وزارت فرهنگ میتواند کسانی را که لااقل دارای گواهینامه متوسطه یا تحصیلاتی معادل آن هستند بآموزگاری شش کلاس ابتدائی بگمارد با رعایت جهات اخلاقی و استعداد آنان برای تدریس انتخاب و بطور قراردادی استخدام نموده بکار بگمارد .

تبصره - هیچگاه وزارت فرهنگ نمیتواند با داشتن آموزش کار و کمک آموزش کار تربیت شده با استخدام آموزش کاران جدید قراردادی بپردازد و بطور کلی استخدام معلم قراردادی جدید در صورتی مجاز است که پایه معلومات آنها بالاتر از معلمین دارای گواهینامه متوسطه باشند .

**پیشنهاد آقای طوسی :**

رتبه های دبیری و اداری کسانی که بدرجه دکتری نائل میشوند و مشمول مقررات مربوط با انتخاب دانشیار باشند عیناً به رتبه دانشیاری تبدیل میشود و مدت توقف در آخرین رتبه دبیری یا اداری آنان جزء مدت توقف در رتبه دانشیاری محسوب خواهد شد .

**رئیس** - ماده چهاردهم .

ماده ۱۴ - بکمک آموزش کاران و آموزش کاران و دبیرانی که در خارج از محل اقامت خود خدمت مینمایند باید از طرف دولت منزل داده شود و در غیر اینصورت کرایه خانه مناسب هر محل بشخص وزارت فرهنگ و بر طبق آیین نامه مخصوصی علاوه بر حقوق او فوق العاده های دیگر بآنها

پرداخته خواهد شد .

**رئیس** - آقای امیر تیمور .

**امیر تیمور** - ما یک ماده گذرانیم که اجازه دادیم وزارت فرهنگ با نقشه مهندسیین متخصص خودش دبستان در نقاط مختلفه کشور ایجاد کند و بسازد بنده عقیده ام این است که در همان ماده باید اضافه شود دبستانهاییکه ساخته میشود طوری ساخته شود که جای سکونت معلمین و آموزگاران در همانجا ساخته شود و این جایش آنجا است اگر در همان ماده آقای وزیر فرهنگ در نظر بگیرند در کمیسیون آنرا اصلاح کنند محتاج باین ماده نخواهند بود .

**وزیر فرهنگ** - اتفاقاً نظر آقای امیر تیمور زانها همینطور در کمیسیون عملی کرده بودیم یعنی گذاشته بودیم و باید هم همینطور باشد یعنی دبستانهایی که ساخته میشود مخصوص در دهات و قریه و قصبه و شهرستانها باید یک تحلی برای آموزش کاران ساخته شود ولی تصدیق بفرمائید که ساختن دبستانها مدت زمانی وقت لازم دارد و ما وقتیکه شروع باین کار میکنیم باید قسمت اعظم این دبستانها را در خانه های کرایه ای دایر کنیم بنابراین باید موافقت بفرمائید که فعلاً ما بتوانیم کرایه اینکار را بدهیم اگر توانستیم جائی برای شان تهیه میکنیم و الا کرایه خانه بآنها میدهیم تصور میکنم در اینجا موافقت بفرمایند چون جایش اهمیت ندارد .

**رئیس** - آقای انوار .

**انوار** - بنده جداً مخالفم با این فرمایش آقای امیر تیمور معلم از مدرسه خارج باشد بهتر است .

**رئیس** - آقای هاشمی .

**هاشمی** - بنده نظری که داشتم آقای وزیر فرمودند دیگر عرضی ندارم .

**رئیس** - ماده پانزدهم .

ماده ۱۵ - وزارت فرهنگ میتواند آموزش کاران و مدیران قراردادی را که دارای گواهینامه دوره اول متوسطه و لااقل پنجسال سابقه خدمت آموزش کاری در مدارس دولتی باشند بعنوان آموزگار و در صورتیکه این گواهینامه را نداشته

ولی ده سال سابقه تدریس در مدارس دولتی داشته باشند...  
کمک آموزگار استخدام نماید و همچنین میتواند دبیران  
قراردادی را که صلاحیت دبیری آنان مورد گواهی شورای  
عالی فرهنگ بوده و دارای لااقل ده سال سابقه تدریس در  
دبیرستان و یا آنکه دارای دیپلم متوسطه و پنجسال سابقه  
تدریس در دبیرستان باشند با رتبه دبیری به خدمت رسمی مشغول  
نماید. ماخذ تعیین درجه این کمک آموزگاران و آموزگاران  
و دبیران آخرین حقوقی خواهد بود که قبل از دیماه ۱۳۲۱  
از وزارت فرهنگ دریافت داشته اند.

رئیس - آقای اوحدی

بند در این ماده مخالفتی ندارم زیرا بیستم  
که آقای وزیر فرهنگ با یک قدرتی در مقام مبارزه با جهل  
عمومی بر آمده اند از این جهت بایستی با این قانون و موادی  
را که ایشان تنظیم کرده اند موافقت کرد و باید این نکته را  
هم تشخیص داد اگر چه تذکراً مخالف دارد عرض بنده با این  
بیانات وزیر محترم خودم عینی ندارد چون نظر تذکری است  
مزایب معلومات و علوم با هم تفاوت دارد یک علومسی هست  
که بنیادیت و نهایت او مربوط است بیکدیگر که معلم در آن  
علم بایستی تمام آن دوره را دیده باشد تا بتواند از روی تسلط  
و اقتدار بمطالب آن نکات علمی را بشاگرد بیاورد اگر یک  
قسمتی را خوانده باشد و یک قسمتی را نخوانده باشد نمیتواند  
معلم بشود و شاگرد هم نمیتواند از این معلم چیز بیفهمد مثل  
داستن امراض چشم اگر یک معلم چشم تمام خصوصیات مربوط  
بچشم را ندیده باشد نمیتواند درس بدهد ولی فارسی یک علم  
فنی نیست که بگوئیم یک دوره را باید غلی کنی یا شش سال  
یا هشت سال یا دوازده متوسطه یا عالی یا فارسی تعلیمی متصور  
نیست بنابراین هر یک نفر فارسی دانی که یک پله بالاتر است  
میتواند بزیر دستش همان فارسی را بیاد بدهد این  
احتیاج ندارد که تماماً بایستی بفلان مقام رسیده باشند و حله  
معلمی را بکار برده اند و او را میگویند که توی این خانه جاهست  
تو را بکار بکنم و او را میدود و میگردد کمک های مرا بکنید  
متوجه باشید که اینها همی مختصاً برای یک کمالی هستند که در گذشته

بکشند بنده با این دو قید مخالف هستم و موافقت نفرمائید  
که این دو قید بر داشته شود.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده هم مخالف هستم.

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - همانطور که نماینده محترم آقای اوحدی  
بیان فرمودند بنده هم معتقد هستم که این کلمه دولتی از این  
ماده حذف شود و پیشنهادی هم در این زمینه کرده ام و به  
این ترتیب عده زیادی هم آموزگار برای شان تهیه خواهد شد  
اوحدی - حذف دولتی نه، اضافه کلمه ملی.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - اولاً با اعتقاد بنده این ماده خوب است در این  
قانون زیرا این قانون تحصیل یک احتیاج است و تثبیت یک  
موقعیت محترمی است برای معلمین و حالا که تعلیمات اجباری  
با این قانون آمده است و برای معلمین هم تثبیت کرده است  
یک موقع محترمی را البته جای این ماده همینجا بوده است  
که گذارده شده است لکن اطراف این را یک قدری باید  
بیشتر دقت کرد که منظور وزارت فرهنگ بهتر عملی بشود  
و یک قدری هم حوائج خارج را باید در نظر گرفت که تطبیق  
بشود منظور وزارت فرهنگ با آن چیزی که در خارج  
موجود است اول در خارج ما باید بدانیم که وضعیت فرهنگ  
در ولایات و یا در مرکز چطور است، وزارت فرهنگ با  
این احتیاجات روز افزون مردم میشود گفت یک وزارتخانه  
است که از این حیث جدید التاسیس است یعنی تازه جس  
کرده است احتیاج عمومی را به تحصیل فرهنگ این است  
که در اینها را روز بروز فراهم میکند دبستان میسازد  
دبیرستان میسازد، دانشگاه میسازد ولی این مقداری که  
تا بحال در اینها توسعه آن دقت شده است شاید مجال نشده  
است برای تربیت معلم که او هم به هر زمان باید اندازد بشود  
و بررور باید از مقدار کمی که برای اینکار تهیه میشود  
بشود که بتواند معلم بشود بیرون بیاید الان در ساعتی  
که ما داریم اینها بحث میکنیم در غالب ولایات آفتابان

بهر از بنده مسبوقند که پنجاه نفر در یک ولایتی و در یک  
ولایتی چهل نفر معلمینی هستند کثرتی و غالباً هم بیست و  
ده سال سابقه دارند آنجاهاست که بنده اطلاع دارم در ولایات  
مخصوصاً در چهار ماه قبل از این که بنده در هرات بودم و  
برای این موضوع چندین ملاکراف کردم بطهران عده معلمین  
کنتراتی که بیش از ده سال خدمت کرده اند بیش از پنجاه  
نفر بودند و اغلب آنها (این چیزی را که عرض میکنم  
اغراق نیست مبالغه نیست) بلکنه تمام آنها حقوقشان بین  
پانزده بود و نوزده تومان محالاً اگر دوسه نفر بودند که  
بیست و دو تومان میگویند آن مقدار حکم نیست ما اغلب  
و اکثر را میگیریم مبالغه و زیاده زوی در بیان نمیخواهم  
بکنم مردمی هستند مستحق حالا قدر اقلش اینقدر میشود  
گفت که خیلی زحمت میکشید اینها غالباً در دهات هستند  
و در یکده هم که ساکن هستند باید یک فرسخ راه بروند  
بآن دهی که یک خانه و دبستان آنجا هست و پیاده هم  
باید بروند با این مقدار کم از حقوق خوب الان یک عده  
مهمی شامل این قسمت هستند زیرا دبستانهایی که الان  
مطابق این قانون در تمام نقاط کشور تاسیس میشود تا  
کلاس چهار است دیگر معلمین همین افراد هستند که باید  
شاگرد ها را از کلاس یک تا کلاس چهار تربیت بکنند و  
اینها مشمول این دو شرط هم هستند و این دو شرط شامل  
آنها است یا اینکه سابقه از ده سال هم بیشتر دارند یا این  
که تصدیق متوسطه دارند و پنجسال سابقه خدمت تشخیص  
داد که برای شوزای عالی معارف در این ماده قرار گذارده اند  
بنده آن را عملی نمی بینم زیرا که شوزای عالی فرهنگ  
مرکز است از یک عده افراد غالباً تمام که دوسه هزار نفر هستند  
و تشخیص صلاحیت یک آدم، یک میرزا عیسی نامی را که  
در سمرقند همان است نمیتوانند بکنند به تشخیص ظلمتی او را نه  
تشخیص ظلمتی او را که میون هم وزارت فرهنگ از آن بکر که است  
که تمام کشور بفرستد یک آنجا را جمع بکنند بیوزد بطهران  
به شوزای عالی فرهنگ بروند و امتحان ظلمتی بدین عملتوان  
را بنده چندین وقت از ایشان را شنیدم و تشخیص بدین طریقی یک

معلمی بد اخلاق است یا خوش اخلاق در صورتی که این سابقه علمیتش در ده سال معلوم شده که شاگرد را از کلاس يك تا چهار رسانده است فقط میماند اخلاقش در آن هم آن رئیس معارف و فرهنگ محل در باره او تصدیق میکند که این آدم بد اخلاق نیست و میتواند سر بسر بچه ها بگذارد بهمین قدر کافی است که رئیس فرهنگ تصدیق بکند و الا باعث اشکال میشود، يك مطلب دیگر این است که در ضمن این ماده تصریح میکند اشخاصی که دارای این دو شرط هستند ما بکمک آموزگاری می پذیریم یا رتبه دبیری و حقوق را با آخرین حقوق که در دی ماه ۲۱ گرفته آن را مآخذ قرار میدهیم این را از نظر فهم مطلب خواستم بفهمم اعتقاد این است که تمام این معالیمی که منظور نظر هستند و شاید این ماده هم برای قسمت عمده آنها در نظر گرفته شده است آنقدر که من اطلاع دارم حقوق دی ماه آنها مطابق رتبه يك اداری هم نیست، شصت و دو تومانی پیشان پیدا نمیشود، این عده دبیر یا معلم را آوردیم خواستیم رتبه بدیم میگوئیم حقوق دی ماه چقدر میگریفتی پانزده تومان، پانزده تومان را وزارت معارف چکار میکند؟ این پانزده تومان را ترقی بدهد بیارود برساند شصت و دو تومان اگر این کار را وزارت فرهنگ بکند يك تصریحی در این ماده لازم است یا اینکه از طرف ما يك پیشنهادی باید بشود چنانکه آقای نراقی هم پیشنهادی کرده اند چون در اینجا میگوئیم باید رتبه بار بدیم و حد اقل هم رتبه يك اداری است اگر این قید نشود دست وبال وزارت معارف بسته است والا خوب همه معلمان آمدند خواستند رتبه بگیرند چهارده تومان تا پانزده تومان حقوق میگریفته اند رتبه يك اداری شصت و دو تومان است باید این را ترقی بدهی برساند شصت و دو تومان تا این عملی بشود، در مسئله دولتی عرض میکنم که در حالت دولت در دستیار هیای انجمن عالی معلمان در وزارت معارف و سابقه ندارد انجمن این معلمان در ولایات در مدارس تدوین میگردند که با اصطلاح امروز آن مدارس را ملی اینم میگویند حالا این

قید را که میگذارید دست و پای خودتان بسته میشود خوب آقا اگر شما يك صندوق خانه داشتید توی آن سه هزار تا معلم تربیت شده موجود بود میگفتم خوب داریم و از این طرف هم تربیت معلم میکنیم ما که میدانیم همچو چیزی موجود نیست باید با همین معلمینی که الان موجود هستند این کار را بکنید مدارس دولتی هم در تمام جاها نبوده است بیشتر مدارس ملی بوده است در ده میان دره یا سقر یا بانه یا مهاباد دولت در آنجاها مدرسه نداشته است ولی مدارس ملی بوده است و این آقایان در آن مدارس تدریس میکردند حالا که شما این کلمه دولتی را قید میکنید يك عده بسیار بسیار کمی که حاجت شما را رفع نمیکند دست شما خواهد افتاد، این لفظ دولتی را بردارید مسئله شورای عالی معارف را هم بردارید، مسئله حقوق را هم تصریح فرمائید با این سه رکن این ماده رفق پیدا میکند و قابل اجراء است و تصدیق رؤسای فرهنگ شما نسبت به حسن اخلاق این معلمان کافی است و حقوقشان هم اگر کمتر از رتبه يك بود بالا ببرند و قید دولتی را هم از آن بردارند و بگویند فقط کسی که بیش از ۵ سال خدمت کرده یا ۵ سال خدمت کرده با تصدیق سه کلاس متوسطه ممکن است این معلم بشود.

رئیس - پیشنهاد آقای نقابت:

پیشنهاد میکنم بجای ماده ۱۶ وزارت فرهنگ میتواند آموزگاران و مدیران قراردادی را که دارای گواهی نامه دوره اول متوسطه و لااقل ۵ سال سابقه خدمت آموزگاری در مدارس دولتی باشند بعنوان آموزگار استخدام نماید و نیز در صورتیکه این گواهی نامه را نداشته باشد ولی ده سال سابقه استخدام آموزگاری داشته باشد بعنوان کمک آموزگار استخدام نماید و همچنین میتواند دبیران قراردادی را که صلاحیت دبیران آنان مورد گواهی شورای عالی فرهنگ بوده و دارای ده سال سابقه استخدام دبیری باشد و دارای دیپلم متوسطه و ۵ سال سابقه استخدام دبیری باشند یا رتبه دبیری بخد مت رسمی مشغول نمایند، مأخذ تعیین درجه

این کمک آموزگاران و آموزگاران و دبیران آخرین حقوقی خواهد بود که قبل از دیماه ۱۳۲۱ از وزارت فرهنگ دریافت داشته اند.

رئیس - پیشنهاد آقای نراقی:

پیشنهاد میکنم در سطر هشتم از ماده ۱۶ (که ماده ۱۵ شده است) قانون تعلیمات عمومی این جمله افزوده شود: و همچنین استادان قراردادی را که لااقل ۵ سال در یکی از دانشکده ها تدریس میکرده اند بخد مت رسمی بپذیرد.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای نراقی:

پیشنهاد میکنم جمله مندرج در سطر ۳ و ۴ و ۵ ماده ۱۶ (که ۱۵ شده است) قانون تعلیمات عمومی بشکل زیر اصلاح شود: «در صورتیکه این گواهی نامه را نداشته ولی پنجسال سابقه تدریس در مدارس دولتی داشته باشند بعنوان کمک آموزگار استخدام نمایند.

رئیس - پیشنهاد دیگر آقای نراقی:

پیشنهاد میکنم در سطر هفتم از ماده ۱۶ (که ۱۵ شده است) قانون تعلیمات عمومی بعد از کلمه دیپلم متوسطه کلمه «یا بالاتر» افزوده شود.

رئیس - پیشنهاد آقای آزادی و آقای نراقی:

پیشنهاد میکنم تبصره زیر بماده ۱۶ (که ۱۵ شده است) قانون تعلیمات عمومی افزوده شود:

تبصره - چنانچه آخرین حقوقی که مدرک تعیین درجه میباشد بمقرری پایه يك نرسد پایه يك منظور میشود و همچنین اگر آن حقوق از مقرری یکی از پایه های مذکور در این قانون متجاوز نموده بمقرری پایه بالاتر نرسیده باشد پایه بالاتر تشخیص و کسر حقوق اینگونه اشخاص در موقع مقضی و در صورت پیدا شدن اعتبار تعیین میشود.

رئیس - پیشنهاد آقای فرخ:

پیشنهاد میشود که در ماده ۱۶ (که ۱۵ شده است) در سطر ۱۵ پس از کلمه مشغول نمایند افزوده شود همچنین میتواند استادان و دانشیاران قراردادی را نیز رسماً استخدام نماید و در سطر ۱۶ پس از کلمه دبیران نیز افزوده شود.

«دانشیاران و استادان»  
رئیس - پیشنهاد آقای معذل:  
پیشنهاد میکنم ماده ۱۶ بشرح زیر اصلاح شود:  
ماده ۱۶ - وزارت فرهنگ میتواند آموزگاران و مدیران قراردادی را که دارای گواهینامه دوره اول متوسطه و لااقل ۵ سال سابقه خدمت فرهنگی داشته باشند بعنوان آموزگار و در صورتیکه این گواهینامه را نداشته باشند ولی ده سال سابقه خدمت فرهنگی داشته باشند بعنوان کمک آموزگار استخدام نماید و همچنین میتواند دبیران قراردادی را که لااقل دارای ده سال سابقه خدمت و یا اینکه دارای دیپلم متوسطه و ۵ سال سابقه خدمت فرهنگی باشند یا رتبه دبیری بخد مت مشغول نمایند.  
تبصره - دبیران و آموزگاران قراردادی که از طرف وزارت فرهنگ مأمور در مدارس ملی باشند در صورتیکه واجد شرایط مندرج در این ماده باشند مشمول خواهند بود.  
رئیس - پیشنهاد آقای انوار:  
پیشنهاد میشود در ماده ۱۵ در سطر سوم بعد از کلمه دولتی اضافه شود یا ملی و همچنین در سطر چهارم بعد از کلمه دولتی یا ملی اضافه شود.  
رئیس - پیشنهاد آقای منصف:  
در ماده ۱۶ پیشنهاد میکنم بعد از کلمه دبیران کلمه (و هنر آموزان) و بعد از عبارت دبیرستان کلمه (و هنرستان) اضافه شود.  
رئیس - پیشنهاد آقای اورنگ:  
ماده ۱۵ - وزارت فرهنگ میتواند آموزگاران و دبیران قراردادی را که این گواهینامه را نداشته باشند ولی ۱۰ سال سابقه خدمت فرهنگی داشته باشند بعنوان کمک آموزگار استخدام نمایند و همچنین میتواند دبیران قراردادی را که لااقل ۲۵ سال سابقه خدمت و یا اینکه دارای دیپلم متوسطه و ۵ سال سابقه خدمت باشند یا رتبه دبیری بخد مت مشغول شوند تبصره که دبیران و آموزگاران قراردادی که از طرف وزارت فرهنگ مأمور در مدارس ملی



باشند در صورتیکه واجد شرایط فوق باشند مشمول این قانون خواهند بود.

رئیس - پیشنهاد آقای آزادی

مقام محترم ریاست مجلس. پیشنهاد میکنم ماده ۱۶ بترتیب زیر اصلاح شود:

ماده ۱۶ - وزارت فرهنگ میتواند آموزگاران و مدیران قراردادی را که دارای گواهینامه دوره اول متوسطه و لااقل ۵ سال سابقه خدمت فرهنگی باشند بعنوان آموزگار و در صورتیکه این گواهی نامه را نداشته باشند ولی ده سال سابقه خدمت فرهنگی داشته باشند بعنوان کمک آموزگار استخدام نماید و همچنین میتواند دبیران و مدیران قراردادی را که دارای لااقل ده سال سابقه خدمت فرهنگی و یا اینکه دارای دیپلم متوسطه و ۵ سال سابقه خدمت فرهنگی باشند با رتبه دبیری بخدمت مشغول نماید. تبصره - دبیران و آموزگاران قراردادی که از طرف وزارت فرهنگ مأمور در مدارس ملی باشند در صورتیکه واجد شرایط مندرج در این ماده باشند مشمول این ماده خواهند بود.

رئیس - ماده ۱۷ (بعضی از نمایندگان این ماده ۱۶ شده است)

ماده ۱۶ - وزارت فرهنگ آئین نامه هائی را که برای این قانون لازم خواهد بود پس از تصویب شورای عالی فرهنگ بموقع اجرا خواهد گذاشت.

رئیس - آقای طباطبائی

طباطبائی - چون این يك لایحه مهم و مورد توجه است و اجزای این لایحه هم کاملاً مشکلی است خواستیم خواهش کنیم که آئین نامه مربوط به اجزای این قانون به تصویب کمیسیون فرهنگ مجلس برسد (طوبی - صحیح است بنده هم پیشنهاد کرده ام) و گمان میکنم معنی هم نداشته باشد که فقط شورای عالی فرهنگ تصویب کند ضمناً بنده سئوالی را از آقای نخست وزیر کرده ام تقدیم میکنم به آقای رئیس که زودتر برای جواب حاضر بشوند. (رئیس - آقای امیر تیمور)

امیر تیمور - بنده هم همین نظر آقای طباطبائی را دارم و پیشنهادی هم در این موضوع تقدیم کرده ام که بجای تصویب شورای عالی فرهنگ نوشته شود کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی. حقیقت قضیه این است که بنده تا بحال معتقداتی نسبت بشورای عالی فرهنگ داشتم و امیدوارم که بازم باشد ولی معتقداتی که داشتم نسبت بشورای عالی فرهنگ پس از آزمایش که راجع باین مطبوعات و روزنامه جات داد دیگر آن اطمینان را ندارم و خیلی هم متأسفم از این عدم اطمینان و حقیقه مخالفم و معتقدم که به جای شورای عالی فرهنگ نوشته شود کمیسیون فرهنگ.

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده هم موافقم با آقای امیر تیمور و آقای طباطبائی که ابتدا به شورای عالی فرهنگ نرود و بکمیسیون فرهنگ رجوع شود.

وزیر فرهنگ - بنده خیلی متأسفم از اینکه آقای امیر تیمور عقیدشان از شورای عالی فرهنگ سلب شده است. زیرا شورای عالی فرهنگ همانطوریکه یکی از آقایان فرمودند مرکب شده است از رجال محترم و دانشمند که هیچ نوع غرضی ندارند و در قسمت های فرهنگی کمک میکنند بوزارت فرهنگ. راجع بروزنامه ها که فرمودند بنده عرض میکنم شورای عالی فرهنگ هر وقت هر کاری لازم بوده است کرده است و علت آن را هم عرض می کنم و آن این است که شورای عالی فرهنگ نظر عموم و نظر مجلس شورای ملی را مخصوصاً حفظ کرده است و آن این بوده است که حتی الامکان راجع به آزادی قلم مساعدت کرده است. حالا اگر بد فهمیده است این يك چیز دیگری است زیرا از داخل و خارج شکایت میکردند که این قانون مطبوعات باعث اختناق مطبوعات است و حتماً باید از بین برود و تقاضای حذف آن را میدادند. بهر حال اگر شورای عالی فرهنگ زیاد سخت گیری نکرده است در دادن امتیاز خیال کرده است که رعایت نظر مجلس شورای ملی را کرده است و الا نمیتوانسته است سخت گیری نکند و این از پیش اشکالی نداشته است.

رئیس - آقای رضوی

رضوی - عرض کنم آقا چون این ماده ماده آخر این لایحه است و باید رأی بگیریم برای اینکه این لایحه برود به کمیسیون برای شور دوم بنده خواستم با اجازه آقایان يك چند کلمه در مورد اساس این لایحه عرض کنم. همانطور که عرض کردم بنده با اساس این لایحه کمال موافقت را دارم زیرا این لایحه مربوط به فرهنگ مملکت و مربی اطفال و مایه عمران و آبادی کشور است و شاید همه رفقا و نمایندگان با این نظر موافق باشند فقط در کیفیت اجرای این قانون نظریاتی داشتند و الا در اساس قضیه کسی مخالفت نداشت.

رئیس - آقا شما در ماده باید صحبت کنید نه در شور کلیات.

رضوی - عرایض بنده در واقع در ماده است همانطور که این قانون ممکن است مفید بحال مملکت واقع شود ممکن است که مضر هم واقع بشود. مگر اینکه يك شرایطی را در این قانون بکار ببرید و يك رعایاتی را بکنید که این قانون واقعاً فایده مطلوبه را بدهد و این کار البته وظیفه کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی است که در شور دوم این نکات را در قانون رعایت بکند و این مطالب را مورد توجه قرار بدهد. یکی این است که این اهالی دهستانی و کوهستانی که مامیخواهیم برایشان تعلیمات اجباری قائل بشویم اینها طوری باید باشد که مثل سابق متمایل به زندگی در شهرها نباشند و تمام سعی میکنند باین که از ده و مرکز زندگی فلاحتی خودشان بیابند در شهرها و بخواهند پشت میز ادارات بنشینند. از این جهت گفتم باید در برنامه ها در نظر گرفته شود که آنها را با اعتماد بنفس تربیت بکنند که بعبارة آخری ما میتوانیم يك زارع خوب و عالم و يك صنعتگر خوب و هم عالم تهیه کنیم نه اینکه يك عالمی تهیه کنیم و ادارات بفرستیم. موضوع دیگری که بنده خواستم عرض کنم و باید توجه بشود موضوع دینی است. امتحان شده است که موضوع بی دینی برای این مملکت خوب بوده

است و بالاخره از این راه مملکت ضرر دیده است. بنابراین بنده پیشنهاد میکنم و از اعضای کمیسیون فرهنگ تقاضا دارم که مواد تعلیمات مذهبی را جزء برنامه طوری قرار بدهند که آموختن آنها دارای نمره باشد و در معدل و نمرات آخر سال تأثیر داشته باشد و طوری باشد که يك امور اجباری و مفید باشد و بایستی اعتنائی به این قضیه نگاه نکنند خلاصه طوری نباشد که فقط ما اذهان ساده مردم را آلوده و مشوش کرده باشیم. موضوع سوم بنده که خواستم عرض کنم و شبیه بموضوع دوم است موضوع اخلاق است. این موضوع اخلاق البته برای اهالی ساده و مردم کشور بسیار لازم است و اگر بالاخره معلمینی که انتخاب میشوند بیشتر از این جهت رعایت نشوند و معلمین خوش اخلاقی فرستارم نشوند ممکن است نتیجه بسیار بدی گرفته شود. افرادی که در دهات زندگی میکنند لازم نیست که اینها تمام وسائل تمدن حتی لباس پوشیدن و پشت میز نشستن را یاد بگیرند آنها باید چیز هائی را یاد بگیرند که بدرخشد کی مادی و معنویشان بخورد و در تحت تأثیر قرار نگیرند. از این جهت بود که این موضوع اخلاق را هم بنده خواستم يك موادی در برنامه و قانون نوشته شود که این قسمت از افرادی که تحصیل میکنند وضع اخلاقی شان هم اصلاح شود. البته هر قانونی که تصویب میشود خوب بودن آن مربوط بطرز اجرائی است و اینکه بنده این پیشنهاد را در این جا میکنم برای خاطر این است که چون از وضعیت اجراء تاکنون در مملکت رضایت کافی نبوده است و الا قوانین غالباً خوب نوشته میشود حالا خواستم آقایان در موقعی که مشغول شور دوم میشوند این نکات را در نظر بگیرند. مقصود چهارم بنده مربوط به تحصیلات فلاحتی و صنعتی است. چون بعضی از آقایان فرمودند که کلاسهای مخصوصی برای این کار ترتیب داده شود هم برای فلاحت و هم برای صنعت ولی بنده تصور میکنم که موافقت فرمایند و نظری بفرمایند در این قضیه که اگر ممکن بشود مخلوط با قسمتهای درس که میخواهند يك برنامه خاصی باشد که در این حال قسمتهای صنعتی و

فلاحتی را جزء برنامه شان قرار بدهند نه اینکه ما برای آنها چهار سال پنج سال ابتدائی قرار بدهیم و دو سال برای اختصاصی زیرا بنده اینطور تصور میکنم که اگر باین طریق باشد این بیشتر بدرکار خودشان میخورد تا اینکه ما بیائیم آنها را بصورت يك دستان معمولی تربیت کنیم و بعداً برای قسمت اختصاصیشان لازم باشد که بکلاسهای دیگری مراجعه کنند.

رئیس - آقای ملک مدنی.

ملک مدنی - بنده خواستم عرض کنم همانطور که آقایان فرمودند در شور دوم نظر مجلس را رعایت کنند که در واقع يك خدمت صحیحی به فرهنگ شده باشد. زیرا که ما باین مطلب علاقه داریم که يك برنامه واقفاً صحیحی تهیه بشود که کاملاً برای کشاورزان هم مفید باشد و عملی باشد. بنده خیال میکنم نظر اغلب آقایان این است و خواستم تذکر بدهم که کمیسیون فرهنگ این نکته را در نظر بگیرد و این پیشنهاداتی که شده است مورد توجه قرار بدهند.

رئیس - آقای شاهرودی.

شاهرودی - بنده عقیده ام این است که چون عضو کمیسیون فرهنگ هستم از نظر مصالح قبلی برای تهیه آئین نامه دخالت شورای عالی فرهنگ لازم خواهد بود (صحیح است) و عقیده ام این است که اگر چنانچه کمیسیون فرهنگ را لازم میدانیم که نظری داشته باشد شورای عالی فرهنگ هم در این موضوع باید شرکت داشته باشد.

رئیس - آقای مؤید احمدی.

مؤید احمدی - بنده باین آئین نامه خیلی اهمیت میدهم زیرا ۳۶ سال از دوره مشروطیت میگذرد در قانون اساسی معارف و قوانینی که در این مملکت در این چند ساله تشکیل شده همه جا تحصیل اجباری نوشته شده تعلیمات اجباری نوشته شده ولی ملاحظه فرمودید که تا بحال کی عملی شده است؟ خوشبختانه در این دوره میخواهد عملی بشود و بنده مشتاقم که در این دوره بتوانیم به تمام مدارس که خیلی خودم را باسعادت میدانم که باین قانون رای میدهم و همه همین نظر را دارند البته منتهی آقایان که مخالفت میکنند در این باره...

میکند میگویند که این قانون قابل تأمل است زیرا پول نیست و اجرای این قانون مشکل است والا کی مخالف با این قانون است؟ بنده تصور نمیکنم يك نفر در ایران باشد که موافق نباشد (صحیح است) همه آقایان هم موافق این قانونند. همانطور که فرمودند فقط يك موضوع است که آیا کاملاً اجراء میشود یا اجراء نمیشود؟ این موضوع است که محل اختلاف است و بعقیده بنده این مربوط بآئین نامه است اگر آئین نامه همین قانون طوری نوشته شد که قابل عمل و اجراء شد بسیار قانون خوبی است و ازش استفاده میکنند و اگر نشد البته حرفهائی که همه آقایان نمایندگان زدند همه واقعت پیدا میکنند که این قانون را نتوانستند عملی کنند. بنده يك عرضی داشتم با آقای وزیر فرهنگ و آن این است که این قانون تعلیم و تربیت اجباری بیشتر راجع به قری و دهات است. البته در شهرها هم لازم است و باید اجراء بشود ولی باید کاری کرد که وسعتش داد و بیشترش کرد تا ممکن بشود توی قری و قصبات هم اجراء کرد. زیرا ما تقریباً ۵۰ هزار قریه در این مملکت داریم مطابق احصائیه صحیح البته در ظرف ۱۰ سال انشاءالله شما موفق بشوید که در همه جا مدرسه تأسیس کنید. ولی این نکته را که گفتند آقایان در نظر بگیرید که آن شاگردی که در حسین آباد شهداد تحصیل می کند این شاگرد در موقعی که کتاب را تحصیل میکند بخیال پشت میز اداره نباشد. برای مثال عرض میکنم بنده يك کتاب ابتدائی را میآورم نشان میدهم و میآورم پشت تریبون شما ملاحظه فرمائید. نوشته است ناصر و منصور دو برادر بودند که بمدرسه میرفتند. ناصر خیلی جوان خوبی بود و خوب هم تحصیل کرد حالا مدیر کل اداره است و کیش را دستش گرفته و پشت میز نشسته است ولی منصور که بد تحصیل کرده است آب پاش دستش هست و مستخدم است (توجه فرمائید) و حالا دارد آب می پاشد. این چه کرده است؟ بچه را تربیت کرده است برای کار دولتی و...  
طباطبائی - چه فرمودید آقای...  
مؤید احمدی - بنده باین آئین نامه در کتاب ابتدائی مدارس...

است که ناصر و منصور دو تا برادر بودند. این چه میشود؟ این بچه را برای استخدام دولت تربیت میکنند و این مملکت الان دچار این زحمت است که هم میروند مدارس تحصیل میکنند و می چسبند با ادارات دولت. خوب دولت مگر چقدر بودجه دارد چقدر میتواند اداره درست کند؟ درمدازس دهات بایستی کشاورزی را با آنها یاد داد که چه جور زراعت کنند زمین و آب را بشناسند زراعت بدانند حیوانات را بتوانند تربیت کنند و از این کارها. استیعا میکنم دیگر از این کتابها بداهات نفرستید که این کتابها دهات را هم خراب میکند

رئیس - آقای هاشمی.

هاشمی - فرمایشاتی که آقای رضوی و آقای مؤید احمدی فرمودند صحیح است و گویا نمیتوانیم نظر حضرت تعالی در ماده ۴ تأمین شده باشد. زیرا برای تمام کشور يك نوع کتاب این قانون پیش بینی نکرده و این برای همین منظور بود و مخصوصاً تصدیع دارد در ماده دوم که تألیف و طبع کتابها را وزارت فرهنگ با رعایت اصول آموزش و پرورش خاصه تربیت اخلاقی کودکان عهده دار خواهد بود. بدیهی است که وقتی نتیجه دارد که منطبق و مبتنی با اصول اخلاقی و علمی و دیانتی باشد والا بدون این نتیجه ندارد و برای این البته دو رکن اصلی است یکی وجود معلم خوب و از آن مؤثرتر وجود کتابهای خوب که در آن کتابها هم جنبه تربیت اخلاقی شاگرد تأمین شده باشد و مراعات شده باشد همچنین قید دیگری که آقای مؤید احمدی فرمودند صرفاً کارخانه مستخدم سازی نباشد (انوار - چرا خارج از موضوع صحبت میفرمائید!) خارج از موضوع نیست جواب آقای مؤید احمدی و آقای رضوی است و مطابق نظامنامه چون بنده عضو کمیسیون هستم باید عرض کنم و مطابق صریح نظامنامه که خودتان مطلع از آن نظامنامه هستید بنده میتوانم حرف بزنم (انوار - این صریح نظامنامه است آقای...)

بالاخره اینها همه باید در آن کتب و برنامه محفوظ باشد و از آمدن آئین نامه بکمیسیون بنده مخالفتی ندارم و فقط يك موضوعی است که اگر شورای عالی معارف يك دفعه قصوری کرده است برای همیشه سلب صلاحیت کردن از آن خوب نیست. مثلاً يك قوانینی میآید بمجلس شورای ملی و میگوئیم که چون مأمور خوب نداریم نمی شود این قانون را اجرا کرد این که نمیشود تا ابد این وضعیت ادامه داشته باشد اگر در يك جائی مأمور خوبی ندارید یا يك دستگاهی خوب کار نمی کنند و تقیصه ای دارد اصلاحش فرمائید. (کافی است مذاکرات)  
طوسی - دو فقره پیشنهاداتی یکی آقای امیر تیمور و یکی هم مال بنده:  
پیشنهاد میکنم بجای شورای عالی فرهنگ در ماده ۱۶ نوشته شود کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی  
طوسی - مال بنده هم همینطور است.  
رئیس - پیشنهاد آقای انوار:  
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۶ در سطر دوم بعد از کلمه خواهد بود اضافه شود تنظیم نموده.  
طوسی - دیگر پیشنهاد نیست.  
رئیس - رأی گرفته میشود بورود در شور دوم آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد.  
۱۱ - تقدیم يك فقره لایحه راجع باصلاح بعضی از مواد قانون کیفری از طرف آقای وزیر دادگستری.  
آقای وزیر دادگستری فرماید:  
وزیر دادگستری - یکی از مسائلی که مدتها مورد توجه مجلس شورای ملی بوده است تجدید نظر در قوانین دادگستری است و همیشه هم مجلس شورای ملی در این باب اهتمام کرده است بطوری که بعضی از آقایان يك طرحی درست کردند و در این باب پیشنهاد کردند که در حقیقت يك کمک بجائی بوده است. بسیاری از این قوانین که اخیراً تقدیم مجلس شورای ملی شدیه است با سعی و اهتمام اعضای کمیسیون دادگستری انجام گرفته و بنده لازم میدانم قبلاً از آقایان اعزاء دادگستری تشکر کنم که علاوه بر اینکه شخصاً مردمان مجرب و بصیری هستند و در امور قضائی و حقوقی اطلاعات و تجربیاتی دارند با يك حسن ایتی در لواحق تقدیمی وزارت دادگستری مساعدت کردند و خبر کمیسیون هم حاضر

عبارت باشد از کلیات قانون کیفر امروز تقدیم مجلس شورای ملی می‌کنم و امیدوارم که باقی آن وقسمتهای بعدش هم بتدریج تقدیم مجلس شورای ملی بشود. (صحیح است)

رئیس - آقای ملک مدنی پیشنهاد کردند که لایحه پست و تلگراف راجع باستخدام قراردادی‌ها جزء دستور آتی گذاشته شود (صحیح است) آقای وزیر پست و تلگراف هم همین تقاضا را دارند.

#### [ ۷ - موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه ]

رئیس - اگر تصویب میفرمائید جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتی روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر انشاء الله آقایان بکقدری زودتر تشریف می‌آورند

[ مجلس ده دقیقه بعد از ظهر ختم شد ]

رئیس مجلس شورای ملی - حسن استدیاری

شده است و منتظر هستیم که در مجلس خوانده شود که مورد شور واقع شود. از جمله مسائلی که مورد توجه عامه بوده است و مجلس بخصوص مسئله قوانین کیفری است که از سال ۱۳۰۲ قانونی شده و از سال ۱۳۰۶ تا حالا تحولات بسیاری در امور اجتماعی ما پیدا شده است خود آن قانون هم در موقع تصویب در مرحله تکامل نبوده است مخصوصاً مسائل جزائی بنابر این اصلاح قانون کیفری همیشه مورد توجه وزارت دادگستری بوده است و وزارت دادگستری در مراحل متعدد اصلاحاتی راجع باین قانون پیشنهاد کرده است که الان در کمیسیون دادگستری هست. ولی فعلاً با ملاحظه با احتیاجات و سایر مشکلاتی که در کار هست یک طرح جدیدی در باب این قانون تهیه شده است دارای ۱۲۰ ماده است که